

علاقم پیشخدمت استقبال خواهند کرد و در آنجا
 موسوم بتالار سپهسالاران ایشان آقاسی استقبال
 خواهند نمود و بعد صاحب منصبان سابق الذکر در پیش
 ایلمچی معسزی الیه در اطاقهای لپیز کبیر و کربوی و
 الحاق بیکت کرنا در اطاق الکسندر تا اطاق
 معینه سجه استراحت خواهند رفت یازدهم
 در آنجا ایشان آقاسی باشی و مرشال در بارگاه
 که عبارت از وزیر خازن و امورات شخصی اعلیحضرت
 امپراطوری باشد جناب معسزی الیه را استقبال
 خواهند نمود و یازدهم جناب ایلمچی کبیر با آن پر
 پیش با اتفاق اشخاص سابق الذکر و اتباع سفارت
 کبری با اطاقهای اعلیحضرت امپراطوری داخل خواهند
 و در آنجا در اطاق مشهور با طاق سفید که سجه نظام
 معین شده است مرشال بزرگ اعلیحضرت امپراطوری
 و مرشال بزرگ علیاحضرت امپراطرسین جناب معسزی
 خواهند پذیرفت سیزدهم در وقتیکه همه حاضر و جمیع
 شدند و از اعلیحضرت امپراطور اذن شرفیابی حضور
 حاصل شد ایشان آقاسی باشی جناب ایلمچی کبیر با اتفاق
 مترجم اول وزارت مهم خارج بحضور خواهند برد
 و در آخر مجلس حسب الامر اعلیحضرت امپراطور ایشان
 باشی صاحب منصبان سفارت کبری را بحضور خواهند
 برد که شرفیاب حضور امپراطور شوند و جناب ایلمچی کبیر
 اندک شرفیابی با اتفاق اتباع سفارت کبری با طاق

معاودت خواهند نمود چهاردهم در آنجا منتظر شرفیابی
 حضور علیاحضرت امپراطرسین خواهند شد و این مجلس
 در همان اطاقی که بحضور اعلیحضرت امپراطور رسید
 اتفاق خواهد افتاد و جناب ایلمچی کبیر از همان اطاق
 الی پلهای سفرا بهمان احترامات که در روز معمول بود
 و در همان کارهای دولتی بمنزل مراجعت خواهند کرد
 پانزدهم جمیع قزاقان اندر دنی و قزاقان کشیک
 اندر دنی که از فوج خاصه میباشند جمیع احترامات
 نظامیه را سجده جناب ایلمچی کبیر معمول خواهند داشت
 شانزدهم در تمام اطاقهای عمارت پادشاهی
 که جناب جلالت آبا ایلمچی کبیر عبور خواهند نمود
 در اطاقها را باز خواهند کرد این صورت فوق را
 در تشریفات روز شرفیابی جناب جلالت آبا ایلمچی
 کبیر دولت علیه ایران بحضور اعلیحضرت امپراطور کا کنگا
 دولت روسیه سفارت کبری فرستاده بودند
 و از قرار روزنامه که با ولایای دولت علیه ایران
 همه این تفصیلات در روز شرفیابی حضور اعلیحضرت
 امپراطور و علیاحضرت امپراطرسین و تواب مستطاب
 و بعد دولت بهیه روسیه نسبت سفارت کبری
 معمول داشته اند و جناب ایلمچی کبیر در همان مجلس
 شرفیابی حسب الماموریه رسوم تعزیت و تمییز را از
 جانب سرکار اعلیحضرت آه سن ها یون شایسته
 دامت شوکت بطور شایسته بجا آورد و سرکار اعلیحضرت

در اطاق شرفیابی ایلمچی کبیر و سایر اعیان در آنجا منتظر شرفیابی

امپراطور رسم کلمات مودت ایات نسبت بکمال
 اعلیحضرت شاهی خلد السلطانہ ادا فرمودند
 و جناب معزنی الیه نامه کا یون را ابلاغ کردند
 جناب ایچی کبیر و اتباع سفارت کبری بر یک
 علی قدر مراتب هم مورد تفهقات لازمہ شدند
 و مجلس شرفیابی در کمال شایستگی و توقیر
 ختم شد در روز دوازدهم ربیع الثانی چنانچه
 رسم دولت است جناب ایچی کبیر و اتباع
 سفارت کبری که بدین نوآبادان قسطنطنیہ
 میخائیل برادران اعلیحضرت امپراطور رفتند
 کمال احترامات را در ذاب و ایاب و صحن
 طاقات بعمل آوردند از ورود سردار ایچی کبیر
 در همه جا حکام و سرداران و سایر اعیان
 و وزرا و امن و امرای دولت روسیہ از
 جناب ایچی کبیر دیدن کردند و موافق رسوم
 دولتی که نامورین جانبین بایست از وزیر
 اول دولتین سبقت دیدن نمایند جناب
 ایچی کبیر اول بدین جناب جلالت نائب
 غراف لشرد که وزیر اعظم دولت روسیہ
 روسیہ است رفتند و بلافاصلہ جناب
 معزنی البدر جناب ایچی کبیر باز دیدند
 از روز دوشنبہ عمده ربیع الثانی از دربار
 اعلیحضرت امپراطوری حکم شد کہ جمیع وزرا

۱۶۸۰

و امر او جز الہا و اعیان داخلہ از ہر طبقہ
 کہ تفصیل سامی و مناصب ایشان موجب تطویل
 جناب ایچی کبیر را دیدن نمایند از روز بروز
 تا روز ۲۳ ربیع الثانی از یک ساعت نظر نما
 تا دو ساعت بعد از ظهر سفارتخانہ دولت
 علیتہ آمدہ لوازم احترامات را بعمل می آوردند
 و جناب ایچی کبیر ہم ایشان را تبریق مایند
 خواہند نمود و همچنین سفرای دول خارجہ
 چنانکہ در رسومات دلبوماتیک قرار است بعد
 از اعلام سبقت دیدن از جناب ایچی کبیر
 نمودند و جناب معزنی الیه نیز باز دیدند
 کرد
 از سایر مالک محروسہ و از دول خارجہ
 اجبار بود چون در این مہتمم در روزنامہ
 کجایش تحریراتھا بنود در روزنامہ مہتمم آیند
 مبین و مسطور خواهد کردید

روزنامه قایم اتقاینه سراج پوم بپه بر و بسم سهر وی فی بقال نین

<p>منطقه دارانخلاف طهران قیمت اعلانات هر خط پانزده</p>		<p>نزهت و تفریح و چهار قیمت روزنامه هر نسخه ده شاهر</p>
--	--	---

اخبار و احداث مالک محروسه پادشاه

دارانخلاف طهران

سواره چهاردولی که از آذربایجان احضار شده بودند در این اوقات وارد گردیده در روز شنبه نهم این ماه در میدان ارک حاضر شده صف کشیدند و اعلیحضرت اقدس عالیجنابشاید همیشه بجهت ملاحظه سواره مزبور تشریف فرمایید ان ارک گردیده عالیجاه پرویزخان سرکرد سواره مزبور آنها را یکی یکی از حضور مظهر خیمه و گذرانده چون اغلب جوانان خوب و با اسب اسلحه ممتاز در کمال ارستکی و انتظام بودند مورد تحسین و توارش گردیده انعام ملوکانه در حق آنها مرحمت شد

پرسش شد که هر یک رفته در فوجهای خود حاکم گردند و عوض آنها مجدداً بطهران آمده مشغول مشق شوند و بهین قرار پس از آنکه مدت جمیع صاحب منصبان و افواج در آداب مشق و اعمال نظامی ما هر باسند تا حال صاحب منصبان پنجاه و سه فوج حاضر گشته و بجایجاه مرتضی قلیخان ولد مقرب انخلافان سیدالکرامت که از جمله اشاکر و نامی مرتبه اول پیاده نظام است سپرده میباشد و صاحب منصبان مزبور در آنجا حاضر میشوند و تعلیم میگیرند شرفیاب حضور مبارک میگردند و در حق هر یک از آنها انعام ملوکانه مرحمت میشود چون جناب اشرف امجدار رفع مخمس صدراعظم میخواستند که بدقت رسیدگی در احاد و افراد آنها نمایند عالیجاه مرتضی قلیخان در روز شنبه گذشته همه آنها را با نظم و ارستکی تمام در عمارت باغ جناب معظم حاضر ساخته و بدقت در احاد و افراد

۱۶۸۱

صاحب منصبان رسیدگی نمودند و حکم کردند
 که عالیجاه مشایخ را لیه درها بجا با آنها مشق تفنگ داد
 چون خوب مشق کردند مورد التفات گردیدند و نظام
 شال کشمیری بجایجاه مرتضی قلیخان و وجی تقدیر لیا
 انعام دادند که مایه مزید دلگرمی آنها بوده پیش ایشان
 در تحصیل قواعد نظامی اهتمام نمایند
 نظر خدمات نواب ابراهیم میرزا نایب الحکومه
 و اهتمامات او در بستن تدبیر که ناصری و گرفتن
 اسرار اعراب آن صفحات محاسن خدمتگذاری
 مقبول و مستحسن خاطر اقدس بایون اعلیحضرت
 شاهنشاهی و امناسی دولت علیه افتاده در این وقت
 از جانب سنی الجوانب ملوکانه یک قطعه نشان از
 مرتبه اول سرنسکی با نظام حمایل و کیشوب جنبه ترمه
 و رازا خدمات نواب مسزکی البه حرمت گردید
 و فرمان مقرر لعلان مبارک مسنی بر التفات شرف
 صدور یافت
 چون ولینجان سرتب فوج سید خوری در این وقت
 وفات یافته بود نظر شایستگی عالیجاه رستم خان
 از جانب سنی الجوانب ملوکانه از فرار فرمان بایون
 منصب سرنسکی فوج مزبور بجایجاه مشایخ را لیه حرمت
 گردیده و یکطرفه شال ترصه هم خلف التفات شد
 چون نواب مستطاب برادره والا تبار حشام الدوله
 از خدمات عالیجاه جعفر قلیخان سرنسک فوج خدمت

۱۶۸۲

در لرستان اظهار رضامندی با ولیای دولت علیه
 کرده بودند لهذا در این اوقات از جانب سنی الجوانب
 ملوکانه یکطرفه شال و خلف مرحمت و عنایت گردید
 چون عباس قلیخان پسیان که بجا حکومت شاهرود و بطام
 مامور بود در ۲۷ جمادی الاول که از شاهرود به بطام
 میرفته است جمعی از اسرار بجهت سیلاک شیطانی و سحر
 بعضی مفتنه بن غفله دو تیر با و خالی کرده و او را مقبول
 نموده بودند لهذا در این اوقات حسب الامر اقدس
 بایون شاهنشاهی اولیای دولت علیه عالیجاه چراغعلی
 نایب الحکومه سابق اصفهان را بجا حکومت شاهرود
 و بطام مامور و خلف داده روانه نمودند و مقرر شد
 که قائمین مرحوم عباس قلیخان را بر سرخو که باشد در
 بدست آورده بدربار بایون روانه نماید تا موافق
 عدالت و احقاق حق بسزای عمل ناشایست خود سزا
 برسانند
 از اینجا که خاطر اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطنت
 بایون بجا و آبادی دارالخلافه مبارک است لهذا از بدو ظهور این
 ابدایت تاکنون عمارت عالی و انبیه رفیع در مرقع سلطنت عظمی نباشد
 و تفصیل بعضی از آنها در روزنامه های که شست سمت تحریر یافت
 از جمله در این اوقات حکم بطرح عمارتی جدید در جنب عمارت
 شرف نهاد یافته و بسجی و اهتمام مقرب انکاخان حاج علیخان جبار
 عمارتی جدید برشته و دو باب احقاق تحانی و فوقانی صورت
 اتمام پذیرفته در یوم سینه پنجم شهر جمادی الثانی شریف

<p>نواب ساس میرزا ملک الشعراء نواب اشرف ارفع والا امیر کبیر عساکر منصوره رباعی بدیه عرض کرده بود خلعت آفتاب طلق از جانب سنی اجواب ملوکانه با و مرحمت گردید</p>	<p>عمارت مزبور گردیده و اجبار سلام مخصوص گردید جناب جلالت نواب اشرف ارفع صدر عظم و جناب نظام الملک بعضی از شاهزادگان عظام و امراء سرداران و ارکان مخصوص بشرف حضور مبارک علیحضرت قوی شوکت شایسته صان الله ایام شوکت عن التناهی و ملاحظه و تماشای ان عمارت خدقرین که از ابتدای بنامای سلاطین الی کنون باین طرح و صفا و سلیقه دیده شده که از پادشاهان ماضی بنانی نناده باشند شرفیاب شد اسحق در شکوه و رونق و اقتدار و خوش طرخی در دنیا جنان و وصف آن زیاده از حیرت بیان است و هر یک از اطرافتای مزبور فراخور خود با سبب لقیه و چراغ و کلدان و پرده و غیره مزین و در یکی از آنها که از سایر اطرافت است اختصاص دارد با سبب مرصع که بجواهر لقیه ترصیع یافته آرایش تمام داشت پس از انعقاد سلام مخصوص جناب اشرف ارفع صدر عظم و سایر امراء سرداران و اعیان و وکلای حکام که شرفیاب حضور جایون بودند سجه میمنت هر یک فراخور حال پیشکش و پای اندازی از حضور مبارک گذرانیده سحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاد و مقرب انخافان حاجب الدوله و رازای انجام این خدمت با بظاهر و عنایات خاص ملوکانه مباحی گردید و بعضی از شعرا که سجه این عمارت بهشت این اشعار در رباعی عرض کرده بودند مورد تحسین و انعام ملوکانه گردیدند</p>
<p>چون عالیجاه میرزا ملک سرینک مهندس ایامار و و مترجم دولت علیه در موارد خدمت و مجاری رحمت آثار صداقت و مراقبت را بعل آورده و در مسکام انعقاد عهدنامه مبارک که فیما بین دولتین و فرانسس نیز که حسب الاشاره اولیای دولت عالیه از اجزای محاوره و اسباب انعقاد معااهده شواهد موافقت و قاعده دانی را ظاهر ساخته همواره محاسن درایت داد در خدمتگذاری دیوان اعلی بطور آورده و می آورد لهذا مورد مرحمت ملوکانه گشته بر حسب فرمان هایون با عطای یک قطعه شیر و خورشید از درجه اول سینه بنکی با جمال سید قرین مباحات آمد</p>	<p>هوای دار انکلافه طران در این اوقات کمال جلال و اعتدال را دارد و بارندگیهای بوقت و موقع که سجه زراعت زیاده منفعت در روز درین روزها شده چند یوم قبل باران کانی آمد و بعد از آن هم در روز چهارشنبه چهاردهم بارندگی کرده و شب شنبه بارندگی الی صبح لایقطع باران شدید ریاد و آمد بطوری که آسمان و بعضی جاها میزد و همچنین در سینه مبارک که در روضه خورشید ایمان که در آنجا</p>

۱۶۸۳

سایر ولایات

افزربایجان درین هفته ازین ولایت اجناب
بود

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند
در این اوقات شخصی بود اگری میان ترکمان فتنه
بود در مسکام مراجعت ترکمانی که از آن شخص ادعای
طلبی داشته است چند نفر ترکمان را با خود رفین کرده
و آمده در سمر راه اسباب او را بگرو کشیده بود
آن شخص با استرآباد آمده مراتب را بمقرب انخاقان
جعفر قلیخان ایلیخان اظهار کرده بود مقرب انخاقان
مشارایه محصل فرستاده اسباب آن شخص را
تام و کمال گرفته آورده با و تسلیم نموده و قدغن
کرده بود که بعد ازین گرو کشی موقوف باشد هر
کسی طلبی دارد آمد عرض نماید و بعد از ثبوت محصل
گرفته برود طلب خود را دریافت کند
استرآباد و اصفهان و بروجرد و
و وارالمرز و سمنان و عراق ازین
ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

فارس

از قراریکه عالیجاه حبیب الدخان با در فوج بنا
از جزیره خارک نوشته بود سر بازان مشارایه
دریا بگرو کش رفتند یک لوله توپشش پونده

در کنار دریا در زیر کله و خاک بوده است و بسبب
طوفان و امواج که خاک و گل را شسته توپ ظاهر گردید
بود دیده بودند و توپ منور را آورده حال در

چهار برج آنجا کشته اند

قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند چون
دیوان اعلی در باب جدید النسخ نامی ولایت حکم
شده بود مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان پیکار
قزوین جمعی از مستوفیان را با وکیل ولایت و ممبر
بصفت امانت و دیانت موصوف بودند ببلوکات
فرستاده و قرار نظم و نسق انظار را بطور تعدیل دادند
که هر کس دستور العمل و قرار داد خود را داشته کسی
بکسی اجحاف و زیادتی نشود

دیگر نوشته اند که در باب بار و ط کوب خانه قزوین
که سابقا خرابی بهم رسانده بود مقرب انخاقان حاجی
حسنعلی خان اهتمام زیاد بطل آورده و خرابیهای آنجا را
با کمال استحکام ساخته و کارخانههای آنجا در کارند
اغلب روزها خود مقرب انخاقان مشارایه با بنجار
و ارسیمی می نماید و تا حال فریب یکصد خروار بار و
در آنجا موجود و قبایض شده و در کار رساندن خرو
و مشغ و تدارک دو آب میباشند که بد آنجا

مبارک که روانه نمایند

قم و کاشان و کربوس و کردستان

۱۶۸۴

ازین ولایات نیز درین مقدمه اخباری بنود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
 میرزا محمد بیگ سلطان توپخانه که از جانب اولیا
 دولت علیه بجهت تبیه مقصرین فوج خلیج ساوه که
 نسبت بجایگاه جانمحمد خان سربنگ بهرزگی کرده
 بودند مامور بودند در پانزدهم جمادی الاول
 آنجا شده نواب مستطاب عمادالدوله حکمران
 کرمانشاهان بعد از استحضار حکم امنای دولت علیه
 و ستاده مقصرین را گرفته حاضر کردند و همگی آنها
 بتاریخه نسبته تبیه شایسته نظامی نمودند و نسبت
 نفر از صاحب منصبان را که زیاده باعث افت
 و بهرزگی شده بودند گرفته مصحوب میرزا محمد بیگ
 سلطان توپخانه مبارکه بدار آنجا فرستادند

دیگر نوشته بودند که چند نفر زوار بعضی نواب
 عمادالدوله رسانیدند که کمیزی از نام عمادالدوله
 وجه سرقت نموده و فرار کرده است نواب معزی
 بفراسهباشی خود فرمودند که حکما سارقان را
 باد جسر و قید انامیدمش را لیه نیز بعد از
 تحقیق از خود همان رتوار با معلوم کرده بود که کثیر
 مزبور و سبجاتی رفته و بعد از مراجعت بخواجه را برداشته
 و مفقود الاثر شده است مشارالیه بان تمام
 و جاریه مزبوره را با بخواجه بدست آورده و بجز
 نواب معزی الیه آورده حسب حکم صاحبش تسلیم کرد

دیگر نوشته بودند که یکسوی کلید از لبوس خاص علی حده

اقدس بایون شاهنشاهی که با فتح نواب مستطاب
 عمادالدوله محنت شده بود با آنجا بر تو وصول انگذده
 نواب معزی الیه تا یک فرسخی شهر با جمیع اعظم واعیان
 و خوانین و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال
 و توقیر و احترام حلقه مطلقه را بعلی آورده رست
 و دوش با مات خود نموده صرف شربت و شربتی
 کرده بودند

دیگر نوشته بودند که شب دکان برزلی را در میان
 بازار سوراخ کرده و قدری اسباب از آنجا بر
 برده بودند مراتب بعضی نواب عمادالدوله رسید
 سارق را از داروغه مطالبه نمودند مشا را لیه نیز
 چند روز مهلت خواسته سارق را با اموال میرود
 بدست آورده بجز نواب معزی الیه آورد بعد از
 معلوم شده بود که این شخص دو دفعه دیگر بدزدی
 گرفته شده و مستخلص گردیده است چون این
 سیم او بود نواب معزی الیه موافق حکم شریعت
 بقطع ید او حکم نمودند

دیگر نوشته بودند که توپچیان متوقف دارالدوله
 کرمانشاهان راهه روزه غایبجا فرج البیک یا توپخانه
 بمیدان مشق حاضر کرده مشغول مشق میباشند و بانها
 انستظام و حسن سلوک بالاهالی آنجا رفتار نمایند
 و امور سایر اهل نظام آنجا با نهایت انستظام است
 و صاحب منصبان کمال مراقبت را در مشق و قواعد
 نظامی آنها دارند کرمان و کیلان و نهاوند
 و جهران و یزد و ازین ولایات نیز درین مقدمه اخباری

۱۹۸۵

اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه نوشته بودند از او به دانند
که در این اوقات مابین فرانس و انگلیس راهی
از زیر دریاب سازند که از میان نوله این جور باشد

دیگر نوشته بودند که هر طور فرانس در سانی
که چندی قبل در پاریس دیده اند همایل هشتانی
که از دولت سوید فرستاده اند او بخت بودند
مردم از اسمعیلی چنین فهمیدند که سفیر فرانس
حود را در دولت سوید بطور خویش دولت خود

انجام داده باشد

دیگر نوشته بودند که سلطان دولت عثمانیه حکم
فرمود است که یک سمت اسلالمول را که عبارت
از محله قلات باشد با سکه فروش نماید و کوی
با چراغ هوایی روشن کنند بابرین کاری کرده
انجا صاحب ملک و خانه ستند باینکه بکشند
و گفتگوی کشند که این امر از بودی انجام بدند

دیگر نوشته بودند که اولیای دولت عثمانی قرار
داده اند که سالی دوازده نفر از شاگردانی که در
اسلامبول درس میخوانند بعد از وضع امتحان روان
پاریس نمایند که در آنجا از قرار داده و قاعده
وزارت خانهای فرانس از قبیل امور خارجه و داد

و علوم سرشته بهم رسانند

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که او
که سابقاً تشریف گرفته و سوخته بود سلطان حکم کرده
که از نوبسیاق و طرح جدید سازند و کوچه در آستانه

بندازند

دیگر نوشته اند که پرسن کالیماکی که از رعایای لوانا
دولت عثمانی است از قرار فرمان سلطانی بفرمانت
واقامت و بند پای تحت دولت استریه مامور است
و چند روز دیگر روان محل اقامت خواهد کرد

دیگر نوشته بودند که امضای دولت استریه نظر بعضی

ملاحظات و نکات بوسیله صلاح راوران دانستند
که قدری از تعداد قشون خود کم نمایند ازین کم کردن
قشون مبلغ هفتاد و پنج لیان فرانک مدخل دولت
مربور است که از مخارج آنها کم میشود

دیگر نوشته اند که کشتیهای دولت بلجیقا در ممالک
عثمانیه و زره میجو استند که بکشند سابقاً بتوسط
مصارف زائده آنها مقابله پیدا بود بدینجهت از طرف

دولت بلجیقا هر سال سه هزار و پانصد کیمه بعموم
تجار ترنور اعطا میشود که کشتیهای آنها با اسلامبول
و سایر ممالک عثمانیه و غیره که در کنار دریاست در
کار باشند

کار باشند

دیگر از قراریکه در روزنامه ماه جمادی الاول حریده

۷

<p>نوشته اند در بیت هشتم ماه گذشته ساعت از شب رفته در جوار باب او رفته از سکنه محله در ویش علی از خانه صیواجی محمد آقا قضاوتش ظهور کرده و در عقب عساکر نظامیه و مأمورین سائر رسیده اقدام بخاموش کردن آتش نموده اند و نگذاشته اند که بیشتر از چهار باب خانه سوخته شود و آتش را خاموش کرده اند</p>	<p>سابقاً در باب طوفان شدید و گرد باد که در دریا آب را لوله کرده مانند طوبی بکشتی نخلیس و در کشتی فرانسوی و یک کشتی ساردنی و دیگر گاه روزه و آنها را غرق کرده بود نوشته شد از فرار روزنامه که بعد رسید از کشتیهای نخلیس که غرق شده اند در یکی معادل چهل هزار لیر امتعه و اشیاء و در کشتی دیگر حبیلی مال تجاری بوده بجهت در آوردن آن کشتیها از زیر آب از طرف نخلیس کشتی بخارا نام را فرستاده اند ولی چون کشتیهای فرجور در جای سخت فرود آمدند بوزند بیرون آوردن آنها ممکن نشد است</p>
<p>تفصیل چهل نفر از دزدان یونان که خانه بود در قائم مقام اغریوز را محاصره کرده و نقد و جنس نقد شصت گیت برده و چند نفر پیران و کان قائم مقام نیز بوز را با یک نفر حکیم برده و هزار و پانصد گیت مرخص کردن آنها مطالبه نموده بودند در شماره ۲۶۲ این روزنامهها نوشته شده بود از فرار روزنامه که بعد رسید نوشته بودند که بعد از آنکه دزدان پانصد گیت و وجه بجهت استخفاف سیر مطالبه کردند از جانب دولت یونان یک مجلس مخصوص در این باب منعقد شده و جی که دزدان خواسته بودند امنای دولت قبول کرده بودند این خبر بزودان رسیده آنچه را مضاعف نموده و مطالبه کرده اند و نظر مال حوادث نامه یونان تا وجهی که دزدان نیز بوز خواسته اند با آنها داده نشود و دزدان و ورقهای آنها محفوظ باشند استخفاف ادعائی که در دست آنهاست از حد امکان بعید نماید</p>	<p>دیگر نوشته اند که از شهرهای معظم روی زمین امروز بزرگتر از همه شهر لندن پای تخت نخلیس است که بالفعل بچکر و مخلوق در آنجا هستند و جمعیت شهر بوز بسیاری جمعیت کل یونان رسیده است جزیره نخلیس در حالت محلی خوب بودن امانی و سکنه آنجا بزراعت و حرثت مالوف اند از وقت ما به آن جمعیت را درها سنجای بعل می آورند و از وقت چهار ماه دیگر از سارا از خارج باید بیاورند و این جمله نهایت چهار انالی آنجا را در امر زراعت میرساند که با و صفت آن جمعیت و از دحام آذوقه است ماهه را در آنجا بعل می آورند در اوقات استقلال قدیم یونان جمعیت شهر روم بود و در دولت هزار گس رسیده بود</p>

۱۶۸۷

ولی تا حال این جمعیت که در لندن شده است در
 هیچک از پای تخت های روی زمین دست نداده
 بعد از لندن پکن پای تخت مملکت چین معظم بلاد
 میمانند که حاوی چهار کرو در نفوس است و در لندن
 از ده سال پیش ازین تا این اوقات چهار صد هزار
 زیاد شده اند و باین حساب تا شش سال بعد ازین
 جمعیت شهر مزبور شش کرو خواهد رسید و در شش
 بیت سی سال بدو یک چند تنگنای بزرگ جمعیت
 زیاد و بهم خواهد رساند دیگر شهر پاریس پای تخت
 فرانسه بده بزرگ شده در هر عمارتی چند تنگنای
 که به بیت و سه نفوس میرسد کن اند و در شهر لندن
 در هر خانه هفت مرد سکنی دارند و در لندن سیصد
 هفت هزار باب خانه موجودند شرح تحقیق حقایق
 شناسان دهر است
 و بیکر نوشته اند که در هر طرف دنیا سکوکا تنقره
 روز بروز کم میشود و در بعضی جایها در معاملات
 حالیه روز بروز بد رج نامیایی رسیده است چون
 از نقره ادوات و آلات همیشه و سایر شیای
 ساخته می شود بعضی از اغنیای تنقره سکوک را بد
 سایر وجوه اخذ کرده و اسباب و ادواتی بی
 کم شدن نقره روز بروز ترا میدی پذیرد در این
 اوقات در فرانسه قرار داده اند که دولت از
 نقره و یک ثلث از طلا مزوجا پول سککه نمایند
 و از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه درین باب
 حکم شده است بعد از آنکه نقره باطلا مخلوط شده قطع

۱۶۸۸

آن از حالت سکو و بکار بردن در ظروف و
 ادواتی ممنوع خواهد بود

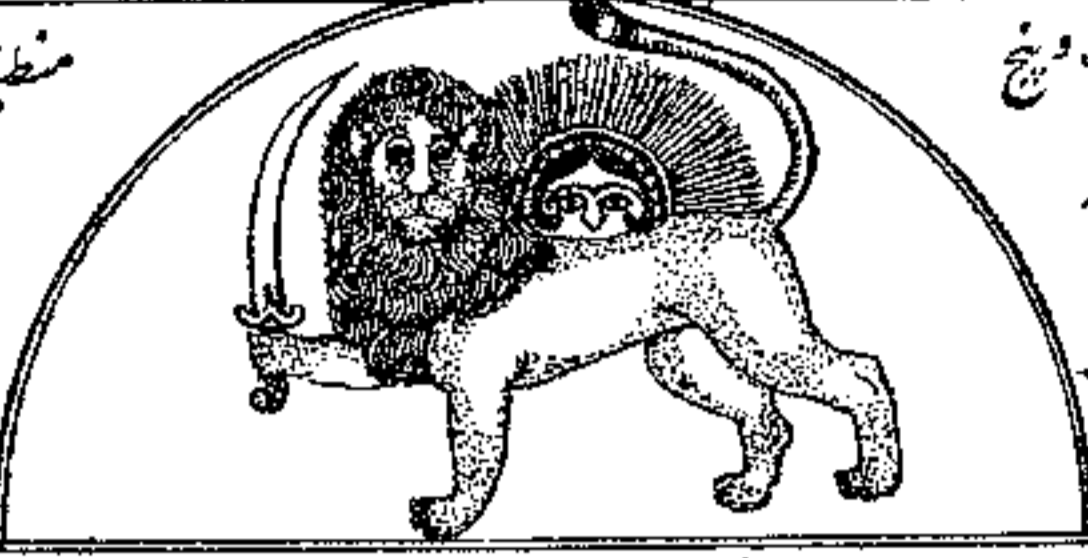
اعلانات

چون قواعد شعر فارسی و علم بلغات فارسیه بعد
 فتنه سلاطین مغول از میان رفت بود چنانکه شصت
 سال شعرای عجم راه بقواعدی که متقدمین و جمعی
 نبودند در این اوقات حسب الامر اقدس حایون
 اعلیحضرت شاهنشاهی صان الدایام شوکت عن التاهی
 جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم بجایگاه مقرب انجمن
 میرزا تقی میرسنونی که عالم جمیع این قواعد بود حکم فرمودند
 تا کتاب بر این عجم را تصنیف و تالیف نمود و زینت
 طبع محلی ساخت تا نظم و شعر مردم فارسی زبان بعد ازین
 غلط نباشد هر کس طالب این کتاب باشد در دارالانجمن
 طهران در کار و اسنادی دولت در اطاق حاج میرزا
 تاجر کاشانی هر مجلدی شش هزار دینار فروخته میشود

و چنین کتاب کوهرم اد که از کتب معتبره معرفت و کلام است
 و در تحصیل عقاید بنسبه و تجمل معارف یقینیه از مبدع و معابد
 دوره حکمت تمام در هر شهری یک و دو نسخه که آنهم زیاد
 معلوم بود بیشتر بهم میرسد در این اوقات بعضی
 و اتهام جناب فضایل نصاب میرزا محمد باقر لوانسانی در
 دارالطباعة دارالانجمن طهران لطباع یافته هر
 مجلدی بیست تومان فروخته میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و یکم شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۲

نزهت و تفریح
 مهیت روزنامه
 هر نسخه ده شایر



منطقه دارالخلافه طهران
 مهیت اعلانات
 هر مطبعه شایر

اخبار واحد ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این اوقات که بارندگیهای کامل در
 دارالخلافه مسبب رکشد هوا بسیار معتدل و خوب
 گردیده و اطراف دارالخلافه طهران کمال صفا و خوبی
 بهم رسانده است بعضی روزها را علیحضرت آید
 همایون شاهنشاهی عزیمت کت و تفریح و شکار میفرمایند
 از جمله در روز شنبه گذشته که سجد کت و تفریح
 سوار شده بودند سواره ناهنگی را که حضور در
 همایون شده و در بیرون دروازه حاضر
 بودند ملاحظه فرموده چون بسیار باشکوه و خوب
 و با اسبان فربه و اسلحه آراسته بودند سر کرده
 و صاحب منصبان آنها مورد تحسین و تلواریش
 ملوکانه شده خلعت در حق آنها مرحمت گردید و
 موکب همایون از آنجا بتفریح اطراف حرکت فرمود
 تا حوالی عصر مشغول کت و شکار بودند و نزدیک
 غروب آفتاب بارک مبارک که سلطانی و مملکت
 عظمی مراجعت فرمودند و روزیکشنبه گذشته نیز

جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم سجد کت
 با وضاع و انتظام سواره فرموده که در میدان
 ارک حاضر گشته بودند همایون آمدند و احاد و
 سواره فرموده را بدقت ملاحظه نمودند بسیار زیاده
 و آراسته و با اسبان فربه و اسلحه آراسته بودند
 با یکدیگر سرباز و سواره که احضار رکاب همایون شدند
 در ورود هر یک به دارالخلافه مبارک که از جانب سرکار
 آید همایون شاهنشاهی آید همیشه و جناب
 اشرف ارفع صدر اعظم نهایت دقت و رسیدگی
 با احاد و افراد آنها میشود و تمامی قشون از سواره
 و پیاده بطوری آراستگی و انتظام دارند که هیچگونه
 نقصی در اسب و اسباب و تدارکات آنها نیست
 و پس از دیدن لشکرتوبان عظام همایون آنها
 و رسیدگی در پرداختن مویشانشان هر کدام که
 حسب حکم مامور سرحدات و مغل ماموریت مستند
 روانه میشوند و هر کدام در دارالخلافه با دستوقف باشند
 مشغول مشق و تعلیم قواعد نظامی میباشند

۱۶۸۹

بعد از رفتن جناب مستر موزه وزیر مختار دولت انگلیس از
 طهران بتمبر زیاده اوضاع در سمت افغانستان اتفاق
 افتاد که ضرر کلی بجهت داخله خراسان و بی استقلالی حاکم انجام داد
 بر او ایلیای دولت لازم شد که از برای حفظ انضباط
 قندمار و هرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان
 بود بایر لازم بکار بر بند که هم رفع آن فتنها و غایبها بشود
 هم این دو ولایت بحالت حکومت علیخده برقرار بماند
 بی حسد احدی چون بعلت رفتن سفارت انگلیس از طهران
 و بنا بمضاپن بعضی روزنامهجات پور و پ در نظر ما بود
 این بود که شاید این تدابیر دولت ایران بطبی بر رفتن
 انگلیس دار و نوبی استحصا چنین احتمال میدادند که شاید
 که در قی با بین دولت ایران و انگلیس واقع شده که این
 حرکات دولت ایران فرع آن حالت است بجهت
 شبهه دور نزدیک و اشخاص بی استحصا و اثبات
 برقرار بودن دوستی با بین دولتین ایران و انگلیس این
 تفصیل که متن واقع و بی خلاف محض است لازم شد
 در روزنامه دار اختلاف طبع شود که اگر حرکاتی از دولت
 ایران صادر شود بدانند که محض دفاع و دفع شر و فتنه
 و نظم داخله این دولت است نه مبادرت در امر جدید
 و هیچ خلاف دوستی با دولت انگلیس در نظر سخنان
 بود و آن این است که قرارداد دولت ایران این بود سردار
 و حکام هرات و قندمار و کابل و عموم افغانستان هر
 در ولایات محل حکومت خود بوده بدیگری دست دراز نمی

۱۶۹۰

و اذیت و آزار رسانند که اینمختی موجب تأمین معابر
 مسالک و کثرت تجارت و امنیت آن حدود و موجب
 نظم کامل در حدود خراسان بشود تا این اوقات که مخیر
 سردار کندیل خان سردار قندمار و در بنار ایدر رود
 بجهت برای آخرت فرار گرفت بجهت پادشاه حکومت استخا
 اخوان و اولاد او فی آنجکه خشونت ظاهر شده او ایلیای
 منظور داشته بجهت بسبب کامل که مرحوم مر نور بد و علی
 داشت برای تسلیم آنها و رفع ماده خشونت و اصلاح
 در میان آنها آدمی مأمور روانه نمایند که درین بین استخا
 خبر وفات سردار کندیل خان و نقاشش هرات شنیده
 یافته و بهانه تعزیت و اصلاح فیما بین آنها خود را بقصد
 رسانیده آنها هم بخیر از کمون و منظور او بود چنان دانستند
 که محض دلسوزی و مهربانی اخوت است باز زود معاودت
 خواهد نمود او را اگر اکر ام و استقبال نمودند لکن امیر و
 آنچه از نوشتهجات افغانستان مستعاد می شد بافتون و
 استعدا و زیاده از حد قدرت او که همیشه هر میشد آن
 لدی الور و بیحج و در و از بافتون خود را گذاشته در مقام
 لصاحب قندمار برآمده و اخوان و اولاد و کسان مرحوم
 سردار کندیل خان زبانی دخل و بری نموده متواری حنت
 و هر یک بطرفی رفته در جانی سکنی گرفتند و اولاد و اخوان
 مرحوم سردار کندیل خان اقبیل سردار رحمل خان و
 میر افضل خان و محمد صدیق خان و محمد عسکر خان و
 مظفر الدوله که دو سال قبل بمبت توکری بدر باره ایون آمد

<p>هرات و آن آن صفی است را تا بد و لبر داری کابل که داشت قناعت نموده هوس سروری را از سر برد کند و داخله در هرات و قندار نماید چون این وقت قشون سبب هرات رفت بعد ازین هم در باب قندار و حفظ اولاد کندل خان و نظم حکومت ایشان آنچه را اولیای دولت علیه قرار گیر و در روزنامه بعد نوشته خواهد شد</p>	<p>بلقب مظفر الدوله و منصب سرتیپی سرافراز شد و غلام محی الدین خان و عبداله خان و خوشدل خان و سخی خان و صاحب زاده و محمد علم خان و فتحی محمد خان و سایر مرحوم شارا لیه عریضه بحضور اقدس هایون شاهی نوشته از تطاول و دست اندازی امیر دست محمد خان بنجائو اوه آنها اظهار نظم با اولیای دولت علیه نموده بجهت رفع تعرضات امیر دوست محمد خان و تعالی حالت حکومت و محل حکومت خودشان باحوال سابق استعانت از دولت علیه بستند و امیر دست محمد خان بعد از تصاحب و تصرف قندار عنایت برات را تصیم نموده از شاهزاده محمد یوسف و محمود علم و اعیان هرات نیز عریضات با اولیای دولت رسیده در مقام نظم برآمد و کم بود که هرات بشکند و ازین طرف قسم سردار علیخان سه کوهستان خاک این دولت عریضه بدر بار باریان بتجین فرستاده که امیر دوست محمد خان یلی از پسران خود را ما مور باخت و تارستان و بلوچستان کرده چون اولیای این دولت دیدند که ازین حرکات آشفته که امیر دست محمد خان پیشنها کرده است نزدیک است که اوضاع آن صفی است و داخله خراسان منقلب شود لهذا اولیای دولت علیه قشونی مأمور هرات نمودند که محافظت هرات و نظم خراسان قشون دولت هم انضیبات بوده متوجه حفظ و حراست هرات و تأمین امالی آنجا باشد که امیر دوست محمد خان هوس غریبت</p>
<p>مقرب انخاقان عیسی خان قاجار و الی کیلان که با چاکری این دولت علیه است انتسابی هم بنجائو اوه سلطنت وارد از بد و جلوس آمد مانوس هایون الی الان بکوه ولایت کیلان منصوب و برقرار است بنا بر قرار داد دولت و اقتضای رای اقدس هایون که میخواهند مثل ازمنه سابقه رود رود بکام ولایات تغییر داده از تواری حکام مختلفه صدمه خسارت بملکت و رعیت وارد آید در حکومت مقرب انخاقان معزی الیه نیز تا اکنون که سال هشتم از جلوس میمنت مانوس است تغییر داده و چون قرار و رفتار اولیای دولت علیه در حق کل ممالک محروس و رعایای دولت علیه خاصه نظایر دالیرز کیلان که از ولایات معطره سرحدات عمده و مالیات دولت است همیشه بر رعایت و رفاه است که از حاکم و مباشر و سایر بیسجود ظلم و تعدی نسبت بر رعیت و نشود حتی چهار سال قبل با القراح قرار شد و احکام حسب الامر الاقدس همه جا و بعهده کل حکام ولایات</p>	<p>خواهد شد مقرب انخاقان عیسی خان قاجار و الی کیلان که با چاکری این دولت علیه است انتسابی هم بنجائو اوه سلطنت وارد از بد و جلوس آمد مانوس هایون الی الان بکوه ولایت کیلان منصوب و برقرار است بنا بر قرار داد دولت و اقتضای رای اقدس هایون که میخواهند مثل ازمنه سابقه رود رود بکام ولایات تغییر داده از تواری حکام مختلفه صدمه خسارت بملکت و رعیت وارد آید در حکومت مقرب انخاقان معزی الیه نیز تا اکنون که سال هشتم از جلوس میمنت مانوس است تغییر داده و چون قرار و رفتار اولیای دولت علیه در حق کل ممالک محروس و رعایای دولت علیه خاصه نظایر دالیرز کیلان که از ولایات معطره سرحدات عمده و مالیات دولت است همیشه بر رعایت و رفاه است که از حاکم و مباشر و سایر بیسجود ظلم و تعدی نسبت بر رعیت و نشود حتی چهار سال قبل با القراح قرار شد و احکام حسب الامر الاقدس همه جا و بعهده کل حکام ولایات</p>

۴
 قندار
 ۱۶۹۱

صادر کردید که از رعایا دیناری باسم جرمیه و شام
 دیگر مطالبه و دریافت نمایند باین لحاظ اولیای دولت
 بنا بر قرار داد کلیه از باطن رفتار و سلوک حاکم کیلان باسم جرمیه
 مستفسر بودند از آنجا که اوصو و اعمال خود را بجا سستی
 از بسته بود و مالی کیلان اسم که مردمان آسوده و بر دین
 و بی خیال مستند و تا در قوه دارند از دست حکام و ممالک
 خودشان بدیوانیان عظام عارض نمی شوند و باین سبب کتبی
 و نظمی عهد از حاکم و کسان حاکم در بار دولت علیه نیامور
 بودند لکن حقیقت رفتار مقرب الخاقان معزنی الیه در پرده بود
 اگر چه پارسان مالی کیلان بسبب از رفتار مقرب الخاقان
 معزنی الیه حرکتی در کیلان نمودند اما چون بر خلاف ادعای
 و از روی تهور و جبارت بود قاعده نظم مملکت داری
 شد که اولیای دولت متحمل شکایت و نظم آنها باشند بلکه
 مصلحت نظم ولایت باعث شد که از مشهورین و متجاسرین
 بازخواست یعنی آید اما مقرب الخاقان معزنی الیه بعد از مراد
 از دار الخلافه کیلان عجز اینکه تغییر رفتار با مردم بدهد و از
 تعدیات خود دست کشیده مرهمی سحر احت آنها بگذارند بنا
 حو ذرا بیشتر سعی گذاشت و زیاده از سابق بمقام اصراء
 و آزار خلق برآمد تا این روزها جمعی از علما و سایر مالی کیلان
 میر با محمد لهدار تایون آمده در حین تشریف فرمائی بوی
 تایون بشکار و تفریح عریضه سجا کپای اقدس داده نگاه
 و نظم زیاد از حاکم نمودند که درین مدت منف سال آنچه
 توانست از نقدی و زیادتی و گرفتن وجوه باقی مخلصه چه

باسم جرمیه و چه بوسایل دیگر هیچ وجه مضایقه و فرو گذشت
 نکرد و درین مدت مدیده مبلغهای خطره از رعایا و سکاکیان
 بر بهانه که ممکن بود گرفت دیگر مردم را قوه ادای مالیات
 دیوانی سهل است طاقت نیست و توقف در آن ولایت نماید
 حتی عرض کردند و بر صدق عرایض خود دلیل آوردند که الا
 در خانه مقرب الخاقان معزنی الیه واقعه در دار الخلافه طرمان
 مبلغهای خطره و چه نقد جمعاً بکشت و تاریخ این نهمت سال
 زمان حکومت که خارج از حوصله ولایت است و ممکن نیست که
 بعد از ادای مالیات و مرسومات حسابی دیوانی و مخارج و لا
 که سال بسال بی نقص سجا کم و دیوانیان عظام رسیده است
 این وجوه گرفت را کسی بتواند انداخته کرد مگر نظم و انضام
 موجود است نظر بر اینکه عاریضین چنین عرضی را با صراحت و عجز و با
 در رسم بعضی خاکپای تایون رسانیدند و از مقرب الخاقان
 عیسی خان این مراتب بطور متین مسبوق سابقه بود و چنانچه
 قرض وقت معونه در خاکپای تایون و حضور اولیای دولت
 مینمودند سجا اقدس تایون چنان رسید که حالت حاکم
 در تردید و تشکیک گذاشتن و پرده پشیمان از روی چنین
 مطلبی بر نه داشتن خوب نیست باید بکنه حقیقت پی برد تا اگر
 عرض مالی کیلان و بسناد باین صراحت معقرون تصدیق
 نباشد جنبه آنها که جرئت بعضی اینگونه مطلب فاحش و خفا
 اقدس کرده اند بعل آید و حالت حاکم ولایت و لو که
 دولت در پیشگاه ولی نعمت مشکوک فیه نماند لکن حسب
 چند نفر از امرای دربار تعیین شدند که بحقیقت برسند

۱۶۹۲

<p>تحقیق و رسیدگی معلوم شد که حق بجانب عارضین بود و والی کیلان این مبلغهای خطیره را که خارج از اندازه منافع حکومتی و سنوک طریقه انصاف و میان روی است جائز نطلبیم و اجماع جمع و ذخیره کرده بود دست با احوال چون اولیای دولت ابدایت و ارحمتی داده که در مال و مالک احدی از نوکر و رعیت دولت علیه از وضیع و شریف کاشان ابداد نیاری دخل و تصرف و طمع و تصاحب نشود و هر کس هر چه داشته باشد از قبیل و کثیر بدون هر سئویش مخصوص خود داشته در کمال امن و اطمینان تصرف بدخواد خودش در آن نماید و این تقییس و سبب هم فقط برای این بود که بداند و کذب عرض مردم کیلان در چه پایست لهذا بنا بر و استمرار این و ارحمتی که تغییر و تحریف در آن در سایه معدلت پایه هایون نشده و سزا اهد شد خواهی را که در خانه مقرب انخافان معزی الیه بیکه جدید و عا او صاف که عارضین بعضی خاکپای هایون رسیده بودند یافت شده است بی مدح و تخریف احدی بجالت خود در محل امن گذاشتند که بعد از ورود معزی الیه بدار انخافه بدست خودش تسلیم شود و با ببین طور رسم رفتار خواهد گشت و از آنجا که دادرسی مظلومین و رضیه و مت عدالت شاه اسلام پناه خدا و سلطان باشد در تحقیق عرض متظلمین و مستدک کیلان و اظهار دلایل عدل و انصاف مابین آنها و حاکم</p>	<p>ولایت نیز لازم مراقبت از جانب اولیای دولت است خواهد آمد که احقاق حق شده مردم بدعای بقای ذات ملکی صفات هایون پردازند سابقا که پاره از اشعار نوکر کو داری تخریب پاره بقل عباسعلیخان اقدام کرده او را بضر کلاه مقبول کرده بودند و مقرب انخافان چراغعلی خان حساب سجکومت شاه هر دو و بطام سرافراز و تیسبیه اشعار قائین او نامور شده بود در بین راه مطلع گردید که چند نفر از مقصرین فرار کرده بسبب فرور گوه رفته اند نفر از غلامان جمعی خود را فرستاده آنها را غفلت گرفتار و دستگیر کرده خود نیز بعضی در و در بطام چکه کشیده سواره کو دار پرا حاضر کرده از روی تحقیق و عوزرسی قائین عباسعلیخان را مشخص و معلوم کرده گرفته اقدس هایون شاهنشاهی دولت انخافان را دین توپ گذاشته و دو نفر شقه کرده داده بود از درب دروازه او بجهت بودند و پانزده نفر از مقصرین رسم که گرفته بود با چند نفر غلام بدربار کرد و در فرستاده است معلوم که هر یک از آنها هم بفرار خود جرم و قصیر مورد مواخذه و سیاست خواهند شد چون عالیجاه محمد رضا خان سرتیپ در انجام خدمات محموله خود از قبیل نظم و آرا و لجانها و سایر امورات نظامی اتهام ریاضه داشت لهذا خدمات او محسن و مقبول خاطر اقدس هایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاد</p>
--	--

۱۶۹۳

در این اوقات اور بمصوب اجردان خاص کی طرف
دیکر رشتہ جمیل فرمز و یک قطعہ نشان اول سپہی
با و رحمت فرمودند

عالیجاہ عبدالعلی خان سرہنگ توپخانہ مبارکہ کہ از
جملہ جاگران قدیم و جان شاران صمیم این دولت
آیت بود و خدمات مشارالیه سفر ادر حضرت منظور
نظر سرکار اعلی حضرت اقدس ہالیون شاہ شاہی بود
این اوقات حسب فرمان جہا منطاع مبارک منصب
سپہی توپخانہ مبارکہ سر اوزار کردیدہ محض رحمت
ملوکانہ بک ثوب جتہ ترمہ از صند و قخانہ مبارکہ در
وجہ مشارالیه علت رحمت شد

نظر بحسن خدمت و صداقت عالیجاہ میرزا محمد علی سر
کل توپخانہ مبارکہ و اصطلب توپخانہ کہ کمال مراقبت و
صداقت را در انجام خدمات محو لہ بجز دلچسپ اور
بود علی ہذا سخل براتہ نویسی و عمل کل صطلب توپخانہ
حسب الامر سرکار اعلی حضرت شاہ شاہی بعدہ عالیجاہ
مشارالیه و اگذار و مرجوع شد کہ و قایق اہتمامات
خود را و سخل مزبور لعل بیاورد

نظر باستعداد و شایستگی عالیجاہ اصطلان بیک باور
اول توپخانہ مبارکہ در این اوقات حسب الامر
ہالیون شاہ شاہی اصطلب توپخانہ مبارکہ بجا علیجاہ مشارالیه
محول و اگذار کردید کہ از روی وقت رسیدگی
متوجہ باشد کہ ہمیشہ سببان توپخانہ مبارکہ فریہ و
باشند

امورات قسطنی

توپچیان و سوارہ نظام و افواج قاہرہ متوقفین
دار اختلاف مبارکہ ہمہ روزہ در میدان شوق حاضر شد
مشق می کنند و عموم صاحب مضبان در تعلیم مشق و قواعد
نظامی آنها کمال اہتمام دارند و بعضی از آیات ہمت
سہ بازاران فشک دادہ شدہ مشغول تیراندازی
میا شدند و ہم چنین توپچیان نیز بعضی روز صاحب
چند عرآدہ توپ بیرون بردہ تیراندازی مینمایند

یوم چہار شنبہ سیزدہم سرکار اعلی حضرت شاہ شاہی
حوالی عصر بیرون دروازہ تشریف فرما کردیدہ فواج
قاہرہ مشق حرکت و شلیک کردہ در نظر ہالیون مستحسن
و مقبول افتادہ صاحب مضبان مورد التفات
شدند بعد از ملاحظہ فرمودن حرکت افواج فوج عمدتاً
گرازی کہ سجتہ یاد گرفتن سکرو مارچ کندہ بودند
سرکار اعلی حضرت شاہ شاہی تشریف بردہ ملاحظہ
فرمودند فوج مزبور نیز شلیک کردند و چہار سہ
ساختہ بودند آتش زدند فوج و صاحب مضبان
الغام ملوکانہ رحمت کردید

فوج بہادران کہ احضار رکاب ہالیون شدہ بودند
در چہار دہم شدہ جاوی الثانی وارد شدہ در
میدان ارک صف نظامی کشیدند اعلی حضرت اقدس
ہالیون شاہ شاہی تشریف فرمای میدان ارک کردید
فوج مزبور بنظر ہر اثر ہالیون رسیدند چون در
کمال آمادگی و نظام بودند مورد تحسین و التفات
ملوکانہ کردید بکصدان انعام نامتخت شد

۱۶۹۴

سایر ولایات

از بایجان درین هفته ازین ولایت اخباری

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند در

شهر جمادی الاول مقرب انخاقان حفر قلیخان ایلی

بطرف بند کرکان و قلعه خواجہ نفس ترکمان رفته

چهار روز در آنجا مانده قرار نظم امورات آنجا

بطور خوب داده بشهر بخت نمود

دیگر نوشته بودند که عالیجا میرزا اسمعیل خان

پیشکار هم چندی مشغول محاسبه گذشته

محمد و لیخان بیکریکی بود در این اوقات محاسب

مرنوبور با تمام رسیده چون آخر سال است مشغول

قرار داد و دستور العمل سال جدید میباشد و کمال

اهتمام را در انجام خدمات دیوانی دارد

دیگر نوشته بودند که نوآب جهانسور میرزا ایوب

فوج عرب با عالیجاه مرعفی قلیخان سرهنگ و فوج

در بیرون دروازه لبان چادر زده و فوج مرنوبور

همه روزه مشغول مشق میباشد و از جانب نوآب

معزی ایوب و صاحب منصبان کمال اهتمام در مشق

و انتظام امر آنها بعمل می آید و همچنین سواره کلنی

ابو ایچمی عالیجاه محمد باقر خان در بیرون دروازه

مرنوبور منزل کرده مشغول انجام مأموریت و خدمات

محو له پاسند و همچنین توپچیان ساخوی آنجا

در کار و خدمت خود مراقبت تمام دارند بکیرا

باتوپیچی در قلعه خواجہ نفس و کیرا آده دیگر در سربند

کرکان و مابقی توپ و توپچی در شهر استرآبادند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان ایلیخان قواری

اوزان آنجا را داده قدغن نمود که شکمارا در

ضرا آنجا نه عهد نمایند که کسبه بهمان اوزان داد و ستد

کنند و بعضی اختلافات که سابق داشتند موقوف

باشد و هم چنین پول سیاه را نیز بقرار معمولی

قدغن نمود عددی پنجاه دینار سکه زدند که در

ستد و ج سیاه باین قرار در میان اهل آنجا

بگیرد

استرآباد و اصفهان و پروجر و

ازین ولایات نیز درین هفته اخباری بود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند

رستان در آن ولایت بارندگی بیشتر از سالهای دیگر

شده و برف زیاد آمد و صاحبان املاک و مزارع

از این معنی زیاده خور سندی دارند و در پنجاه

زیاده بخر گرفته شده بطوری که در مالدان محتاج

ببخر و برف کوهستان بیلاقات سخاوتند کرد

دیگر نوشته بودند که یک نفر از سربازان فوج

در ارض اقدس شش ماه فاج بستی بود و

قدرت حرکت نداشت و معالجات بسیار کرد

صحت نیافته بود در این اوقات یکی از رفقای

مرنوبور او را بدوش کشیده بصحن جبرگه رضویه

برده

از خدمت ذوی الاحترام سرکار فیض آثار و درخواست نمود که اذن بدیند کتب در توجید خانه بقعه منوره کاتب خدمت نیز اذن دارد سر بازار فاج شب را در توجید خانه بخلوص نیت و امید شفا بسر برده درین بین خوش برده و در عالم رؤیا دیده بود که شفا یافته است شده خود را سر اما غرق عرق و تندرست دید صبح که خدمت سرکار فیض آثار آمده اورا تندرست دیدند جناب مقرب الخاقان متولی باشی اخبار نموده و مردم هجوم آورده رخت اورا بجهت تمین و تبرک پارچه باز کرده پرند و هر کس بقدر مقدور اعانتی با و نمود جناب متولی باشی نیز یک دست رخت تازه با و داد نقاره خانه سرکار فیض آثار تا ساعت سحر بکرا و شادمانند

سمنان

از قراریکه در روزنامه سمنان نوشته اند عالیجناب اللهوروی خان سرسنگ توپخانه مبارکه که با توپخانه و توپچیان ابواب بجمعی خود از دربارها یون مامور خدمت خراسان بود و وارد سمنان گردیده بعد از سه روز توقف در آنجا روانه محنت ماموریت گردیده و در منازل عرض راه بسیار با نظم حرکت کرده است از جمله در سمنان یکی از توپچیان باغ شخصی رفته از چوب بست چغنه چند چوب در دیده بود صاحب باغ آمده مراتب را با عالیجناب مشارالیه اظهار داشته بود آن توپچی را خواسته و بتاریخ نسبت تمهیه مضبوط نموده عزامت خرابی که باغ آن شخص رسیده بود و از داده و اورا خوشدل کرده بود

دیگر نوشته بودند که در هفتم ماه جمادی الاول در شهر سمنان در موضعی که مشهور است با دره است و شب هزار مار در پیشه که در آنجا واقع است بیرون آمده اما لی آنجا تماشا می رفتند و از فرار تقریر مردم این مارها پادشاهی هم داشته اند که ترکیب تاجی بر سر داشته است با اینکه اطفال و غیره آنها را بسنگ و چوب هلاک میکردند مارها بکسی اذیت نمیرسانند بالاخره از کثرت اذیت اطفال متواری شدند چندیست که دیگر از سوزلجنای خود بیرون نمی آیند

عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کر و سن و کردستان و کرمانشاه و کرمان و کیلان ازین ولایات نیز درین صفت اخباری بنود

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته بودند نواب شاهزاده دالاتبار لطف الدین میرزا که از دربارها یون ب حکومت آن ولایت مامور گردیدند در پنجم شهر جمادی الثانی وارد آنجا شده اند عالیجناب مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر و اعیان و اشراف و امانی ولایت لوازم استقبال و احترام را در ورود نواب مغزی آید بعل آورده اند و بعد از ورود مجلسی بوجود علی و اعتراف و اعیان انعقاد داده صرف شربت و شیرینی و مبارکات حکومت بعل آمده تقدیم بدعا کولی دانستند سمنان شاهنشاهی نموده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیس بیست و هشتم شهر جمادی الثانی مطابق سال ۱۲۷۲

منطبه دارانخلا و طهران		مزه ریت و صفت پیش
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
هر خط پنج شمر		هر نسخه ده شمر

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

<p>و سایر تباع و مینت مبرکه بالاسترک و بالاسرک داخل میشوند و از حسن معاشرت و آمیزش با یکدیگر کمال خرسندی و خرمی را دارند و عملی را که جهل شیعه از روی نادانی و بی اطلاعی از مراد اشی غشری گاهی مرتکب شده اند برخلاف علمای دین بسین بوده است و از ایشان هرگز کسی راضی باین معنی نبوده و چگونه میشود العیاذ بالله سب و رفق اصحاب کبار و رؤسای ایشان رضوان علیهم مقبول رای عالم مشرع با عاقل فطن بشود و معلوم است که در هیچ طبقه و در هیچ ملت و طریقت علما و عقلا کجای نبغی نتوانند از زجر نام و منع جناب از احوال و اعمال ناشایسته ایشان نمایند مثل العیاذ بالله مسموع میشود پاره از جمال و عوام بی اطلاع از دین و مذہب خود سخری بنمایند و باین بیت رسالت و طهارت زبان و رازی و ناسزا بگویند لهذا لازم افتاده که اعلام عام بشود بجای اهل اسلام که کمال مراقبت در دین بسین و مراسم</p>	<p>دارانخلا و طهران از روزیکه بنای دین اسلام ببعث حضرت خانم رسل و فخر انام صلوات الله و سلامه علیه محکم و برقرار گردید کُل مسلمانان با هم برادر و در اصول دین و فهد و کتاب همه با هم متفق و صاحب یک رای بوده و هستند و اینهم که دین اسلام روز بروز در ترقی و مسلمانان رو بکثرت جمعیت گذاشته و میگردانند از باب اتفاق و اتحاد و مباہنت و اختلاف است و اگر در بعضی از مسائل بنیامین فرق اسلامیه جزئی اختلافی باشد چنانکه هر یک از مذہب الله اربعه با هم در بعضی مسائل متفاوتت برادران دینی را باعث تفرقه و کجای سخن آید بود چنانکه فرق اشعی عشریه مذہب حضرت در کمال مرتبه محترم میدانند بهمان نسبت و جماعت را نیز برادر دینی خود دانسته و میدانند و در اشرف اماکن و محترمترین مقامات عبادت مثل بیت الله الحرام و مسجد نبوی حضرت سید الانام</p>
---	---

۱۶۹۷

شرع و این خود نماید و قانون ادب و خضوع و احترام
 و ترضی را احکام مذکور و استماع اسامی مبارکه
 بزرگان دین و خلفا بر سرین از دست نهند که
 اگر فی الواقع نادانی از راه جهالت ازین معقول سخن
 رکبک بزبان راند حکام و مباشرین امور و یوانی
 ناموریت دارند باعلی درجه رنج و تشبیه او را تشبیه
 نادیب نماید و نگذارند بی سبب برادران دینی
 اسلام از یکدیگر تقاطع پیدا نمایند و پادشاه
 و سچاه اسلام باید بکروه و ملت متفق و متحد و برادر
 واقعی و رعایای جانبین نیز باید یکدیگر برادران دینی
 بوده و مستند به بی است که اولیای دولت
 علیه عثمانی نیز بمعنی را به وقت هر چه زیاد تر ملاحظه
 خواهند نمود و بهین نسبت به تبعه و رعایای خود
 در هدیه و بهجاری با این دولت قدغن خواهند
 نمود که جمال خود را از ناسه گفتن باهل بیت
 و طهارت بر فرض وقوع مخالفت نمایند تبعه جانبین
 بل کل فرق اسلام را که در روی کره زمین هستند
 لازم است که بوجد پادشاهان اسلام فخر و مباهله
 نمایند که قوام دین و آیش کل مسلمین منوط بوجد پادشاهان
 عظیم ایشان اسلام است و هیچ اختلافی فیما بین
 نبوده و نخواهد بود و با اینکه علمای دوی الاحترام
 دین مسین و عقلا و بزرگان ملت اشغری خلفا
 راشدین را اصحاب رسول و محترم میدانند و الفاظ
 خلاف ادب را نسبت بایشان خلاف بین میدانند
 اولیای دولت هم محض اتحاد و ولستین و حکام

۱۶۹۸

شرع و شریعت اهتمام در این کار و دفع و منع
 این شهرتها که نسبت بشیعه میدهند و نصیب
 خود میدهند و به حکام و مباشرین موافق این
 واضح و احکام متعینه قدغن شد بدینسانند که اگر
 جالی محض سعادت و نادانی و وسواس شیطان
 حرفی بخلاف بزبان راند مستحق رنج و تادیب و عقوبت
 شرعی و عرفی خواهد بود
 چون در سال هزار و دولت و شصت هجری که
 زمان انعقاد شروط هجرت و رد واریان بین
 دولتین ایران و روس بود رسم الطباع روزگار
 و اخبار مقرر بود که بتوان افراد مردم را از انالی
 ولایات هجرات و سرحد نشینان بطوریکه بایست اند
 وارد ادبین الیستین احضار کامل داد لهذا
 در این اوقات که طبع روزنامه مقرر و معمول است
 اولیای دولت علیه نظر بودت حاصله بین الیستین
 و استحضار و ادن انالی سرحدات طرفین که هر کس
 رفتار خود را بداند و اثر سرحد نشینان طرفین بخلاف
 وارد و احکام حرکت خلافتی نماید مناسب دانستند
 که شرط نامه هجرت را که در ضمن فصول چهارگان
 تفصیل استقراریافته بود درین روزنامه مندرج
 سازند و دوباره مردم را آگاه نمایند فضل اول
 رعایای هر دو دولت من بعد بدون اذن معتبر
 بیط دولت خودشان بجا کیکدیگر عبور ننهند کرد
 فصل دوم هر شخصی از رعایای دولتین که بدون بیط
 بجا کیکدیگر بگذرد دستگیر و بدست سرحد داران

ترتیب آبخا با وزیر مختار باشا رز و فرمایند قبول
 دولت خود تسلیم خواهد شد هیچ اسلحه و رخت
 و اسبابی که بهر اشی خود دارد فصل سیم هر چه
 رعایای دولسین در خصوص مهاجرت نمودن
 از دولت خودشان خواهند کرد باید بدون
 مدخلت خارج باشد فصل چهارم اگر سالی
 دولتین در عالم دوستی از همه یکدیگر بیخی شوند
 بیضا بقدر برای بعضی خاوارها خواهند داد و اگر
 مانعی مقرون بقاعده و قانون باشد

در این اوقات نظر بوقوعها و خاطر اعدای
 شاهنشاهی کفایت و کاروانی امیر الامراء اعظم
 امیر اصلاحتخان و ظهور مرهم ملوکانه در باره مشارالیه
 از فرزانان مرلخان مبارک که بدستخط هایون میرزا
 گردیده بود بحکومت کیلان سرفراز فرمودند که غایب
 آنجا را بخلاف حکم آن سابق کیلان بحسن سلوک و رفتار
 و رعیت داری از خود راضی داشته مراتب کفایت
 و کفالت خود را پیش از پیش منصب ظهور رساند و کتبه
 جبه ترمه دور زنجیره از طبعوس خانه خاص امیر الامراء
 مشارالیه خلعت مرحمت گردیده این روزها بقدر حکومت
 خود روانه است

نظر بظهور رحمت ملوکانه در باره عمده الامراء اعظم
 امیر تومان سواهی خلعتی که از جانب سنی احوال ملوکانه
 در ازای منصب مشارالیه مرحمت گردیده این روزها
 التفات بکتوب کلچو ترمه از طبعوس خاص مدین مبارک
 باو عنایت گردید که سبب مزید مباحثات خود داشته باشد

در انجام خدمات خود بخود اهتمام نماید
 چون عالیجاه معترب انخافان محمد برهیم خان سرب
 در ناموریت خدمت فارس و سرحدات آنجا بحسن تدبیر
 و مراقبت تمام امور افواج البواجمی خود را در کمال انتظام
 و امانی انجار از نظر معقولیت خود راضی و کرد و عاگوت
 این دولت جاوید مدت داشته خدمات او مقبول
 و مستحسن خاطر اقدس هایون و امنای دولت علیها
 بود درین اوقات که بدر بار جهاندار حاضر و شرف
 حضور مظهر کردید از جانب سنی احوال ملوکانه
 قطع نشان از مرتبه اول تیرچی بانضمام یک شمشیر
 سرخ که مخصوص این مرتبه است باو عنایت و یک
 جبه ترمه نیز برسم خلعت مرحمت گردید

سایر ولایات

از رباب بایجان بموجب اخباری که در این اوقات از
 او در بایجان رسید کمال امانت و انتظام در آن ولایت حاصل است
 و بارندگیهای خوشه و چند دفعه بر منم آمد است و کس از
 چاکران دیوانی در سرکار و مثل خود و انجام خدمات دیوانی
 و عالیجاه نادانان سیرتیب که بهماننداری جناب ترمه وزیر مختار
 دولت بینه تکلیس نامور بود در این اوقات که جناب مشارالیه در
 توقف دارد لوازم اهتمام را در هماننداری لعل آورد و جناب وزیر
 مختار کمال رضامند را از حسن اهتمامات عالیجاه در خدمات مرجع
 داشته اند و همین در باب اموال عالیجاه مجتهد سراسر احوال
 که در تبریز نفقود شده بود در پیدا کردن آن عالیجاه را
 نهایت اهتمام را لعل آورده است و از حسن خدمات خود
 اولیای دولت علیها خرسند داشته است

۱۶۹۹

بروجرد

از قرار یک در روزنامه بروجرد نوشته بودند که
سلطان شاهزاده والا بتاسام الدوله در عشر
آخر جمادی الاول از زفول سبب شو شریعت
نمودند و از آنجا بنای حرکت بسبب فلاحیه دارند
عالیجاه میرزا علی لرستانی را با جمعی از سواره بروجرد
مهربانخانان نورمحمدخان سرتیب روانه ریزه
حسینه و قیلاب نمودند چون نشیمن ایلات بالا کرده
و سکونت در آن محل و خوش است مراقب باشند
که ایلات منور با جسم تراعی نگشند و دست اندازند
باموال قوافل و متروکین نمایند

و دیگر نوشته اند که در ماه جمادی الاول هوای بروجرد
در کمال اعتدال بوده است و بطوریکه سالهای دیگر
سرمادر آن ولایت شدت میگردد است امسال
رستان با نظیر آسرو شده بوده است مگر در
اوایل جمادی الثانی که بارندگی کامل کرده و شبانه
متصل برفت و باران آمده بوده است صاحبان
اطلاک و زراعت این بارندگی بسیار مشوق هستند
بوده اند

و دیگر نوشته بودند که در اوایل جمادی الثانی
سلطان با یکصد و پنجاه نفر توپچی با امور لرستان
عربستان با یکصد و پنجاه نفر وارد بروجرد
و نواب اکبر میرزا نایب السلطنه بروجرد سواره
آنها را در حومه کربلا در کربلا در کربلا در کربلا

بعد از چهار روز توقف توپچیان با مأموره در بروجرد
اسبانی هم که بعد از سه سبب بودند از شدت برفت
و بارندگی صدمه خورده و مغلوب بودند نواب
معزی الیه از توپچیان بروجرد در عرض اسبان فرزند
با آنها داده روانه مقصد گردیدند

و دیگر نوشته بودند که امالی بروجرد در کمال رفاه
و آسودگی هر کس بکار کسب خود مشغول و اوضاع
خارج بروجرد نیز از قبیل سختی و سبب خورده
جایلی در نهایت انتظام است

و دیگر از لرستان نوشته بودند که نواب جلال الدین
در پانزدهم جمادی الاول از خرم آباد حرکت کرده
روانه صدمه که نزدیک ایلات کرسی نشین
انولایت است شرفوج عالیجاه جعفر قلیخان سرتیب
خدا بند لو و سواره دسته عربان و بار احمدی و سرتیب
والوند و توپچیان با مأمور خرم آباد با توپخانه و دو عراده
توپ در اردوی صدمه حاضر شدند و سران دولت
طوائف لرستان نیز در اردوی منور خدمت نواب
معزی الیه آمدند و امور تمامی طوائف انجام در نهایت
انتظام است و از هیچکدام نسبت بیکدیگر خلافی
التفاق نیفتاده است مگر طایفه کاکاوند و زوق که
بکر سیرات در میان خود نزاعی کرده بودند و نواب
معزی الیه بنا دارند که اشرا و مفید بین طایفه منور
تا دیب و تیبیه کامل باشد که بعد از این کسی مصدر
و هرگز نشود

بکر سیرات در میان خود نزاعی کرده بودند و نواب
معزی الیه بنا دارند که اشرا و مفید بین طایفه منور
تا دیب و تیبیه کامل باشد که بعد از این کسی مصدر
و هرگز نشود

۱۷۰۰

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند
 خانسوار خان هزاره که در مرید بود بعد از شنیدن
 تشریف فرمایی نواب مستطاب شاهزاده و
 حسام السلطنه بارض اقدس برادر خود را در
 بجای خود گذاشته خود با شصت مقدار نفر از
 ترکمانان مروی خدمت نواب معزی الیه آمده
 مورد توارش و التفات گردید و شش نفر
 نیز که در میان ظایف قربانی و غیره بودند مستخلص
 ساخته حضور نواب معزی الیه آورده بودند آنها
 هم مرحض ساختند که با و طان خود بروند و مشایخ
 بارش سفیدان کمال امیدوار بر ابراهیم سائده
 برو مراجعت نمودند

دیگر نوشته اند که مقرب انجاقان قوام الدوله
 بعد از ورود بارض اقدس حسب احکام نواب
 مستطاب حسام السلطنه هر روز به بارک آمدند
 شرفیابی حضور نواب معزی الیه در یکی از عمارت
 دیوانی نشسته مستوفیان و اهل دفتر و نوکرهای دیوان
 هم در آنجا حاضر شده مشغول رسیدگی محاسبات
 ولایتی و انجام خدمات دیوانی مستند و هر روزه
 تا نزدیک غروب در منزل مزبور بکارهای مردم
 و محاسبات و غیره رسیدگی شده نزدیک غروب
 آفتاب بنازل خود مراجعت میکردند و در ایام
 شب جمعه که در خانه که سابقا مترب انجاقان
 در آنجا بودند در آنجا در آنجا در آنجا

و اهل دفتر و نوکرهای دیوانی هر روزه در آنجا حاضر
 شده مشغول انجام خدمات دیوانی میباشند
 دیگر نوشته اند که فوج فشار و فوج شقاقی که از
 دارالخلافه مبارکه که مأمور خراسان شده بودند در
 این اوقات وارد ارض اقدس گردیدند
 نواب شاهزاده و الایته حسام السلطنه عالیجاه
 رحمت الله خان سر بنک فوج شقاقی را با فوج و
 یک عراده توپ و پونصد مأمور قایمات نمودند که
 در آنجا بجا بمانند عالیجاه امیر علم خان مشغول
 امر آن سرحد باشد

دیگر نوشته اند که نواب حسام السلطنه در اوقات
 توقف ارض اقدس که خدایان و داروغه شهر
 حضور خواسته و الترام از آنها گرفته قد عن اکید
 نمودند که اگر بعد ازین در محله فاحشه پیدا شود یا
 شراب و عرق در خانه بهم برسد و آنها در جزیره
 ولایتی هلهاد کرده باشند مورد مواخذه و سیاست
 گردند و آنها نیز حسب احکام نواب معزی الیه مراقبت
 نمایند دارند که ازین قبیل هر گویا اتفاق نیفتد
 دیگر نوشته بودند که در ایام حکومت مرحوم فرهاد
 مفصله شصتصد خانوار باخرزی که در هرات مستند
 نموده بودند که با اتفاق عالیجاه عباسقلی خان کردی
 با و طان خود مراجعت نمایند و مرحوم فرهاد نیز
 حاجی محمد رضای شاد لور ایچمه انجام کارهای آنها
 روانه نموده بود در این اوقات حاجی محمد رضای
 در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

۱۷۰۱

نفر از ریش سفیدان هزاره را بحضور نواب حاکم
 آورده نواب معزنی آنها را خلعت داده و بان
 اولیای دولت علیه امیدوار کرده بودند
 مژبور معروض داشته بودند که قوا به با خرد و درین
 خرابی زیاد بهم رسانند و احتیاج بمغیبه دارند
 معزنی الیه علی الحاکم نوابان وجه نقد و مستص
 خروار نقد بانها دادند که رفته مشغول بمغیبه قوا
 وزارت و بذرفشانی باشند و مقرر داشته که
 بعد از عید سلطانی خود بهم بان سرحدات رفته امور
 آنها را بهرجهت منظم دارند و ریش سفیدان مژبور
 متخلع گردیده بانها بیت دکلمی و امیدواری روان
 با خرد شدند
 و یکروز قایم ارض اقدس نوشته اند که چند
 سادات در رودی بغش مصیبت آوردند که سیر
 آنها را مانند کوسفند و خج کرده بودند مقتولین از اهل
 ورورد بوده اند و از آنجا پنبه بار کرده بارض اقدس
 می آورده اند در نزدیکی کار و اسنرای طرق آنها را
 کشته و پنبه و الاغ آنها را بشهر آورده در کار و اسرا
 خو بسته بودند بفرود شدند رخواست مقتولین را بهم شخص
 دست فروشی میخواستند بفرود شدند چون همت
 بسیار نازل کرده بودند آن شخص دست فروش
 مکان مال دزدی کرده مکرفه بود مراتب بعض نواب
 حاکم سلطه رسیده قدغن اکیه بمقرب الخاقان
 قوام الدوله و سایر کار گزاران کردند که قاتلین احکا
 پیدا نماید بعد از تحقیق و تجسس که قاتلها بدست آمدند

سه نفر هراتی بوده اند با یک نفر سر باز که از افواج سابق
 در آنجا مانده بوده است و اینها سخته پنبه و الاغ
 که زیاده از پانزده تومان ارزش نداشته است
 مرتب قتل آن چهارگان شده بودند نواب معزنی
 حکم نمودند که هر چهار نفر را در پای تخت دار و پنبه
 اعمال ناشایست خود رسانند

سمنان و عراق ازین ولایات درین
اجباری نبود

فارس

از فراری که در روزنامه بندر اوشهر نوشته اند امور
 انولایت از اتهامات عالیجاه دریابگی و حاکم بندر
 کمال انتظام و ضبط اطرا دارد و عالیجاه عهد بخان
 فوج نهادند و فوج او و توپچیان متوقف بندر مژبور
 در سه کار و خدمت خود مراقب و بانها بیت حسین
 با امالی آنجا رفتار رعیت و تمامی امالی آنجا در کمال
 و آسودگی و شکر گذاری پیا شدند و در این اوقات
 بارندگی کامل در انولایت شده امیدواری زیاد
 اهل زراعت و صاحبان املاک حاصل گردیده و آب
 انباری که عالیجاه مقرب الخاقان حاجی قوام الملک ساخته
 ازین بارندگیها آب مضبوطی بانجا کسیری شده و
 همچنین نیز سبب مزید رفاه و شکر گذاری امالی آنجا
 گردیده است
 و یکروز نوشته بودند که از توپهای جدید الورود
 توپ حسب حکم عالیجاه دریابگی توپچیان ببحر
 برده گذاشته و متعجبند که توپهای مژبور مخصوص آنجا

۱۷۰۲

۷

و بیکر نوشته بودند که عالیجنابان حبیب الدخان باور
 نهادند و حبیب الد سلطان ولد مراد خان لورستان
 و کلبعلی سلطان برادر مراد خان مزبور با یکصد نفر
 از سربازان و ندی و توسیر کانی حسب حکم عالیجنابان
 میرزا حسنعلی خان دریا بسکی و حاکم بوشهر و عهدنجان
 سربنگ فوج نهادند و مامور جزیره خارک شدند
 که با مامورین سابق در آنجا ساخلو بوده مشغول حفظ و حرا
 باشند و سواهی این مامورین از بلوچ مستحفظ سابق و
 مصافاتی نیز بقدر ضرورت بجهت ساخلوئی آنجا مامور
 روانه گردیده اند
 قزوین و قسم و کاشان و کردستان
 و کر و کس و کرمانشاهان و کرمان
 و کیلان ازین ولایات نیز درین مهلت اخباری
 نرسیده است
 مازندران
 از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند قبل از
 ورود نواب شاهزاده والاسب رلطف اللد میرزا
 با آنجا عالیجناب مقرب آنخاقان میرزا اسد اللد وزیر براب
 ساختن بروج و قلعهجات راغ مرز و ناصر آباد بجهت
 سکای طایفه عبد الملکی با اتفاق عالیجناب علیخان مهندس
 بفرج آباد رفته و شش روز در آنجا توقف نموده و
 مکان بروج و بدنه و غیره آنجا را مشخص داده و
 معمار و بنا و عمارت مصالح کار مهیا نموده و در آنجا بجهت
 حفز خندق و نهر زاغ مرز و اصلاح خندق حسین آباد و
 حفز خندق جنب قلعه مبارکه ناصر آباد سمت ناصر آباد

رفتند و قریب پانصد نفر عمل بدستور العمل عالیجناب
 علیخان مهندس بکار حفز نهر و خندق انداخته و در
 شب هم در آنجا توقف کرده بعد از قرار انتظام امر آنجا
 بباری مراجعت نموده است و در بیت و پنجم ماه
 جمادی الاول علیخان مذکور آدمی فرستاده بوده است
 که خندق قلعه راغ مرز با انجام رسیده و مشغول انجام
 سایر کارهای محوله میباشند
 و بیکر نوشته اند که عالیجنابش را لید در انتظام امر ولایت
 و رفاه و آسودگی رعیت اهتمام زیاده نموده از جمله عیال
 نامی در خارج شهر شراب فروشی و شرب و شرارت
 مشغول بوده است فرستاده خانه او را خراب نمود
 و خود او را نیز گرفته بعد از توبه اخراج بلد کرده و بعضی
 اشرار و او با شش دیگر که در ساری مشغول مناسبتی
 و افتاد و بهرگز نبودند و علی و اعزّه ولایت از آنها
 شکایت داشتند همه را از شهر اخراج نموده و آنها را
 آنجا کمال شکر گذاری ازین محسد دارند و همچنین در
 وصول و ایصال ولایات دیوانی بار عالیجناب سید ک
 رفتار مینمایند بطوریکه رعایا بدون محصل هر یک ولایت
 خود را آورده حساب خود را میپردازند و در باب لوگر
 اتولایت نیز بجهت حکم اولیای دولت قاهره بگردگان
 پیاده و سواره را احضار و التزام ده روزه از آنها
 گرفته است که دسته بدسته لوگر را حاضر ساختن
 و بموجب جیره و غایب و متوفای آنها بدقت رسیدگی
 نمایند و بهر آن و بهر آن و بهر آن ولایات
 نیز در این مهلت اخباری نبود

۱۷۰۳

از اخبار

از اخبار

اخبار دول خارجه

آمدن پادشاه ساری پاریس و لندن و اجرای ملاقات
 او با امپراتور فرانس و پادشاه انگلیس و معاودت
 سار دینه در روزنامه های سابق نوشته شده بود از
 قراریکه در این اوقات در روزنامه های فرانس و
 نوشته اند امپراتور فرانس غریمیت باز دید پادشاه

سار دینه را داشته اند

دیگر نوشته بودند که در دوازدهم ماه ربیع الاول
 روزه امپراتور استریت به کالک چهار سبب نوشته با
 خدمه لازم بزم سیر و تماشا حرکت کرده بود درین
 حرکت اسبها ریمده یک نفر کالسکه چی تلف و
 دو نفر از خدمه نیز که در عقب کالسکه بوده اند مجروح
 و اسبها عیان اختیار از دست گرفته هوای خود
 میکردند درین بین یک عراب با کس از جلو در آمده
 تا اسبها در می معطل شده اند که از عراب مزبور بگذشت
 و وجه امپراتور متخلص شده است و بجز خوبی که داشته
 که آیا چه بشود بیچوجه استی با و نرسیده و اسبها که
 و عراب جلو گشته و خوروشده است

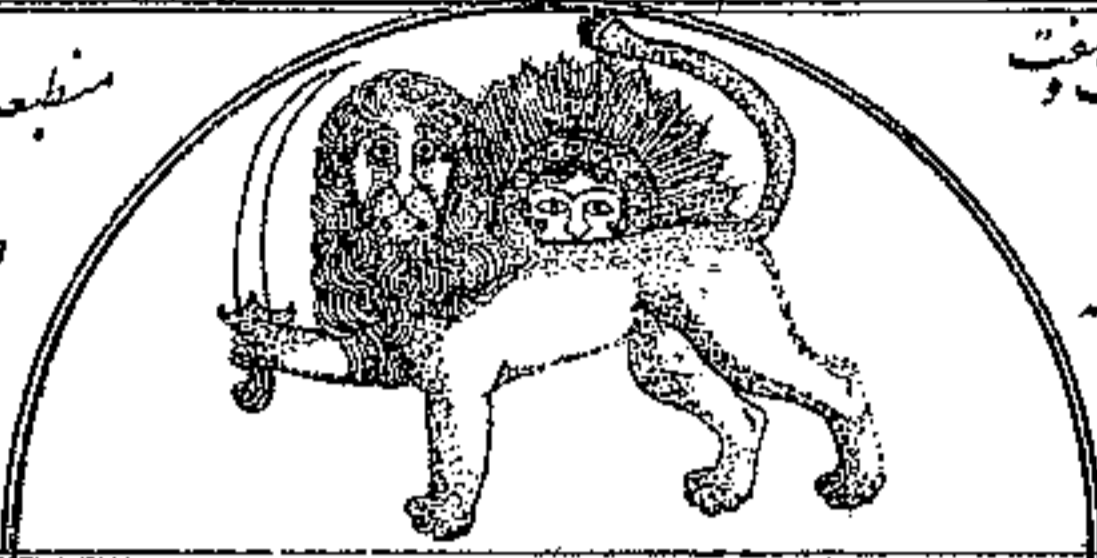
دیگر نوشته اند که در پیچیک از طرق مملکت پای پای
 تا حال راه آهن ساخته شده است و امالی روم در
 ساخته بودند در بعضی محل های مناسب راه آهن
 شود از جانب پای پای اقامی درین باب نشده بود در
 اوقات توسط یکی از اهل صنایع انگلیس قرار آتی
 شهر روم تا فیلورنس داده شده است که بازنده
 جانب پای پای حکم شده است که راه مزبور از نو تمام نمایند

دیگر نوشته بودند که در فرنگستان از ملت یهودی
 رویشد که شهرت تمام یافته اند چهار نفر صرف ثروت
 انصاف بودند که یکی از آنها در پاریس و یکی در لندن
 و یکی در ناپولی و یکی در فراتفور که اندک مالک الما است
 ساکن بودند نام و شهرت و دولت و در ملت حسن
 خدمات آنها مستحق از تقصیل و بیان است این صرافان
 رویشدی که در فراتفور بود چند وقت قبل ازین
 فوت شده است آنها وجه نقد او چارده بار صد هزار
 کیسه ظاهر گردیده است چون وارثی نداشت مبلغ مزبور را
 که معاول بیت و شت کرو پول ایران است با کاف
 موجودات خود بعیال رویشد لندن و اگر کرده است
 هر سبب اطعام فقر اجل هزار کیسه با صاحب احتیاج شهر
 و انفق و توزیع و تقسیم نموده است که از ملت موسوی
 در هر هفته رفته اخذ و طایف خود را از وجه مزبور
 و ده هزار کیسه نیز سوای این وجه بجه توزیع دختران
 فقرای ملت یهود مشخص کرده و با تباع و خدمه و مشو با
 دو روزه نیز هر یک معاش مستوفی معین کرده است
 از انالی فرنگستان و یکی دنیا کس برای تسهیل امور انوار
 احتراعات مبادرت نماید در لندن و یکی دنیا بعضی
 جامه شوران البه و خوابگاه پنجه یا هر چه باشد با خرج بکار
 بزودی شده و بصاحبش تسلیم می نمایند در این اوقات
 مثل آن جامه شور خانها در پاریس اتخاذ شده اند
 پنجه قیقه و مفروشات را نهایت قیمت و رده بازنده فقط
 بقوت بخرچ شده و حشکانه و آلو کشیده بصاحبش میدهند
 بمقام تجر به رسانده اند

۱۷۰۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه ششم شهر محرم مطابق سال ۱۲۷۲

نزهت و بخت و بخت



منطبقه دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج شبر

قیمت روزنامه

پنج و شبر

اخبار و اخلاص مالک محروسه پادشاهی

و اختلاف طهران

در روز شنبه ششم ماه گذشته اعلیحضرت
قوی شوکت شاهنشاهی ابدالعیش به باغ نظایه
متعلق بنجاب اشرف اجداد رفع محترم صدر اعظم
که جنینی با صفا و ممتاز است با خدام محرم جلالت
تشریف فرما شده در وقت تشریف فرمائی
از جانب جناب معظّم و و استبکان ایشان لایزال
چیکش و پاندا در قربانی بعل آمده بهار را در
صرف فرموده و تا هنگام عصر تشریف داشتند
بر وجود فایض ایجو و اقدس هایون بسیار خوش
گذشته بعد از صرف عصرانه و چای مراجعت بقصر
خلافت عظمی فرمودند

در وقت حرکت موکب هایون از دم دروازه دولت
الی در باغ قصر قاچار از سواره نظام و افواج
و غلام و غیره در دو طرف راه با کمال آسکی و
سکوه صف نظامی کشیده بنظر مراهتر خسته و
رسیده و انتظام و آسکی نظام سواره و سواره
بسیار مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده بعد از
ملاحظه احوال تجارت قصر قاچار نزول اجلال فرمودند
جناب اشرف ارفع محترم صدر اعظم و سایر
مقربان حضرت کرده و ن لبط سینه و تقدیر نمودند
از چاکران در بارهایون و خدم چشم ملتزم گشتند
فیروزی انتساب بوده و چند روز در باغ فروردین
توقف بقصر فرموده بجهت سلام عید سعید سلطان
بارک مبارک و مستطی محظی حضرت خواهند فرمود
انظر بحسن کفایت و اتمامات مقرب انخافان حاجی
حاجب الدوله در انجام خدمات محموله بخود در این
اوقات یک ثوب خرقه بطانند پوست از جانب شهبان
ملوکانه بقصر انخافان مشارالیه مرحمت گردید

۱۷۰۵

چون خاطر اقدس شاهان شاهنشاهی با نظام امر
 در سه دار الفنون و ترقیات متعلمین و تشریفاتی
 حربیه نظامیه و طبیعیه و غیره ریاضه مایل میباشند
 ایامی مخصوص تجربه و امتحان علوم تحصیلیه متعلمین بود
 جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم چند روز پیش
 بکارهای آنها نموده بعد از تشخیص مراتب تحصیل و ترقی
 هر یک از شاگردان معلوم شدن اهتمامات متعلمین
 و سعی آنها در تعلیم قواعد نظامی و غیره اعلیحضرت
 اقدس شاهان شاهنشاهی خود بنفسه تشریف فرمایند
 در سه منزل نور گردیده متعلمین در حضور مبارک
 بمقام تجربه و امتحان در می آیند و از متعلمین و متعلمین
 هر کدام سعی داشته و ترقی کرده و در علوم متعلقه بخود
 اهتمام نموده باشند فراخور حال انعام و نشان و
 علاوّه مواجب در همان حضور مبارک مرحمت میسود
 که موجب تشویق سایرین بوده و تحصیل کارهای محموله
 سجد بیشتر سعی باشند علی هذا و این اوقات چند
 روز بود که جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم عظم
 در روزنامه سابقه نوشته شد با بعضی از چاکران
 در باره سپهر احتشام که بقواعد نظامیه و طبیعیه و غیره
 ربط داشته مشغول رسیدگی کارهای متعلمین و التعمیر
 بودند تا اینکه در روز شنبه گذشته اعلیحضرت
 قوی شوکت شاهنشاهی صان الدایام سلطنته عن التیاهی
 تشریف فرمای مدرس منور نور گردیده اغلب چاکران
 دولت و مقربان حضرت گردون بطلت شرفیاب
 حضور منور نور شده معلمین و متعلمین در حضور مبارک
 بمقام

نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره عالیجاه حاج میرزا
 عزیز و وزیر میدان در این اوقات فرمان مهربان
 مبارک در باب وزارت عهدان بعهد عالیجاه
 مشارالیه شرف صدور یافته و بدستخط شاهان
 گردیده از جانب سنی اجواب ملوکانه بکثوب جبه
 ترمه با خلعت مرحمت گردید
 چون عالیجاه حاجی موسی خان سقو لیدار کل قورخانه و
 جبه خانه مبارکه از عهد خدمت محموله بخود در کمال
 صداقت و خوبی برآمده و اولیای دولت علیه از
 حسن خدمات او نهایت رضامندی بسم رسانید
 لهذا در این اوقات از جانب سنی اجواب ملوکانه
 دولت تومان بصیغه انعام در حق عالیجاه
 مرحمت گردید
 چون عالیجاه میرزا حسن سرشته دار قورخانه مبارکه
 چندی قبل سیاست شده بود اولیای دولت علیه
 محض استعداد و قابلیت و صداقت عالیجاه
 شغل و عمل او را که سرشته داری کل قورخانه جانی
 و جبه خانهای دارالخلافه و جمیع عمالک محروسه
 کافی سابق حسب الامر اعلیحضرت شاهنشاهی عالیجاه
 مشارالیه محول و بکثوب جبه ترمه کرمانی برسم خلعت
 در حق مشارالیه مرحمت گردید
 در این اوقات چون امورات منطبل توپخانه
 مبارکه بعهد عالیجاه اصنا سخنان بیک یا ورا اول
 توپخانه مرجوع و واکد ارشد محض مرحمت بکثوب
 کرمانی اعلی در وجه عالیجاه مشارالیه خلعت
 مرحمت گردید

۱۷۰۶

اسم در شهر نفوس میرسد اینقرارات

تجربه و امتحان برآمد تفصیل ترقیات هر یک و انعام و نشان و علاوه موجب که در حق آنهاست شده در روزنامه های آینده نوشته خواهد شد

تسعی اجناس دارانخلا و طران در اوقات اینقرارات

۱۰۰	نان	یکهزار سه تومان
۱۰۱	گوشت	یک من شش عباسی
۱۰۲	پنیر شور	چهار من هشت هزار
۱۰۳	ماست	چهار من دو هزار
۱۰۴	تباکوی اعلی	یک من چهار هزار
۱۰۵	تباکوی وسط	یک من سه هزار
۱۰۶	انجوره	یک من ده شاهی
۱۰۷	برک	یک من هفت شاهی
۱۰۸	حلویات	یک من چهار هزار
۱۰۹	قندارسی	یک من شش هزار و پانصد
۱۱۰	قندیزی	یک من چهار هزار و چهارصد
۱۱۱	شکر	یک من سه هزار
۱۱۲	بن	یک من دو تومان
۱۱۳	میخک	یک من چهار هزار و پانصد
۱۱۴	دارچین	یک من دو هزار و پانصد
۱۱۵	زیره	یک من چهار هزار
۱۱۶	زرشک	یک من سه هزار
۱۱۷	رز و چوب	یک من سه هزار
۱۱۸	قلقل	یک من چهار هزار
۱۱۹	سکنجین	یک من دو ریال
۱۲۰	آب لیمو	یک من دو ریال
۱۲۱	برنج غبرلو	یک من سه عباسی هم نشا
۱۲۲	روغن	چهار من دو هزار و پانصد

۱۰۰	کندم اعلی	یکهزار و دو تومان و نه هزار
۱۰۱	کندم متفرقه	یکهزار و بیست و هفت هزار
۱۰۲	جو	یکهزار و یازده هزار
۱۰۳	کاه	یکهزار و چهار هزار و پانصد
۱۰۴	لوبیا	یکهزار و سه تومان و یک ریال
۱۰۵	عدس	یکهزار و بیست و یک هزار
۱۰۶	ماش	یکهزار و دو تومان و دو ریال
۱۰۷	سجودرسی	یکهزار و چهار تومان و یک ریال
۱۰۸	ارزن	یکهزار و ده ریال
۱۰۹	سکنیک	یکهزار و سیزده هزار و پانصد
۱۱۰	خلر	یکهزار و پانزده هزار
۱۱۱	همه	یکهزار و نه هزار
۱۱۲	حزما	چهار من چهار هزار
۱۱۳	کشش طعام	چهار من دو هزار
۱۱۴	شیره شهد	چهار من دو هزار و یک عباسی
۱۱۵	پیه که اخته	چهار من هفت هزار و پانصد
۱۱۶	کک	چهار من دو هزار و یک عباسی
۱۱۷	اجناس مسطوره	فوق لبرار است که در بیرون دروازه
۱۱۸	محمدیه	نفوس میرسد

۱۷۰۷

در جریده اموات اسلامبول مورخه هفتم و سیزدهم
 شهر جمادی الاولی کیفیت قدم سترمری و زرمختاری
 انجلس و علت این کیفیت را تفصیلی داده و متنی است
 نوشتجات ما خوانده گردیده بود و چون تفصیلات
 مسطوره بخلاف حقیقت و حقیقه و در ارضی بود چه
 اسامی اشخاص چه در تفصیل سوال و جواب بیچوجه
 مطابقت بطریق صدق و صواب نداشت معلوم شد
 که فقرات مسطوره از روی نوشتجات کسان بی
 و یا بدخواه این دولت پایدار چاپ شده است
 لهذا لازم آمد که حقیقت این ماجری علی ماجری درین
 طبع و شبهاست و آنچه در جریده حوادث مذکوره
 رفع و دفع شده مستحضران این کیفیت متن واقع آن
 بدون یک وزه زیاده و نقصان مشخص و عیان آید
 بیچوجه جای شبهه و شک باقی نماند اول این گفتگو
 در خصوص میرزا هاشم خان نام است که او از بد
 طفولیت تا امروز نوکر و مواجب خور این دولت بود
 بدین و در دستارت و اعزاز و صدور تجریم و
 بشاغل مناسب حال خود و خدمات متعارف و اقبیل
 علامت بکلی و پیشخدمتی و شاکردی دارالقون درجه
 بعد اخری مقرر و سه روز بود پیش از ورود جناب
 سترمری مستر طاسن شارژ دافر و دولت مشارالیه
 بمقام تصاحب او آمده خواست داخل اجزای سفارت
 نماید از طرف این دولت مقبول نیفتاده جواب داد
 که او سمت نوکری بدولت دارد اکنون رسم حساب
 جیره و مواجب است تصاحب شما در حق او را ندارد

مستر طاسن گذارش را بامنای دولت قبول نمود
 موافق نامول این دولت جواب آمد و بدینوسیله
 اصراری در تصاحب او نورزیده بحال خود و اکتفا
 بعد از یکدو سال که سترمری بر رسم و زرمختاری
 وارد دارالخلافه طهران شد آغاز تصاحب و مدخله
 مجددا در حق میرزا هاشم خان نموده متمنی شد که از
 طرف این دولت مبلغی بموجب بق او فراید اولی
 دولت بلاحظه اینکه فراخور حال او مواجب مرتب شده
 و علاوه بر این اینمقول متمنیات مکرر در حق اشخاص
 مختلف اتفاق افتاده و محل قبول و انبجاح یافته است
 اندازه و حد یقف هم لازم دارد از قبول این نامول
 تقاعد و رزیدند اینمغنی نتیجه بکس داده با صراحت
 مشارالیه افزوده خیال نمود که او را منسوب بسفارت
 ساخته در شیراز شهنشدر و وقایع نگار نماید این مطلب را
 بانوشته رسیده باولیاای این دولت خبر داد از آنجا
 که موافق نمود و شروط دولسین بغیر از بهر زوهران
 و بندر ابوشهر در جای دیگر شهنشدر گذاشتن دولت
 انجلس تجویز شد است لهذا این فقره هم بدرجه
 اجابت نرسیده و زرمختاری مشارالیه درین باب
 زیاد ترا برام و اصرار نمود حتی عیال میرزا هاشم خان را
 که در محله سنگلج طهران خانه و ششمن داشت آورده
 حوالی سفارتخانه منزل داد چون عیال مزبور از
 سلطت عظمی بود و این نوع حرکت نسبت سنجاندان
 پادشاهی و شرعیت اسلام نالایق و متضمن مناسبت
 بود علیهذا اولیاای دولت علیه عیال مذکوره را

۱۷۰۸